

Relationship between Family Emotional Climate and Development of Social Skills and Achievement of Students Primary

رابطه بین جو عاطفی خانواده با رشد مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر و دختر پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی شهرستان مسجد سلیمان

Mohammad Hosein Mohebi Noredin Vand

Islamic Azad University of Masjed Soleiman

Saeid moshtaghi

Islamic Azad University Dezful Branch

Masoud shahbazi

Islamic Azad University of Masjed Soleiman

محمدحسین محبی نورالدین وند

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجد سلیمان

سعید مشتاقی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول

مسعود شهبازی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجد سلیمان

Abstract

The purpose of this research is to study the relationship between the family's affective atmosphere and development of social skills along with academic achievement of male and female students of fourth and fifth grades in the elementary schools of Masjed-Soleiman. The subjects were 289 (147 boys and 142 girls) students, selected randomly using multi-stage sampling. Measurement tools in this study were Heilburn's family members of affective relations inventory, Keramati's test of social skills development and scholastic average to measure the achievement performance. The results indicated that there is a positive and significant relationship between the affective atmosphere of family and social skills development of boy and girl students. Also the results of analyzing multiple regressions showed that from among the domains of affective atmosphere of family, the sense of security in boy and the affection and having common experiences with parents in girl students are the best predictors of social skills development. There is a positive and significant relationship between the affective atmosphere of family and academic achievement of boy and girl students as well.

Keywords: affective atmosphere of family, Parent-child relationship, Social skills development, Academic achievement.

چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین جو عاطفی خانواده با رشد مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر و دختر پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی شهرستان مسجد سلیمان بود. آزمودنی‌ها ۲۸۹ دانش‌آموزان (۱۴۷ پسر و ۱۴۲ دختر) بودند که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای اندازه‌گیری این پژوهش عبارت از مقیاس روابط عاطفی اعضای خانواده «هیل برن» (۱۹۶۴)؛ آزمون رشد مهارت‌های اجتماعی «کرامتی» (۱۳۸۶)؛ و میانگین نمرات دانش‌آموزان بود. نتایج نشان داد که بین جو عاطفی اعضای خانواده با رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پسر ($P < 0/05$) و دختر ($P < 0/01$) همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون چند گانه از بین حیطه‌های هشتگانه جو عاطفی خانواده، بهترین پیش‌بینی‌کننده‌های رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پسر را وجود احساس امنیت در خانواده و در مورد دانش‌آموزان دختر، محبت کردن و تجارب مشترک با والدین نشان داد.

واژه‌های کلیدی: جو عاطفی خانواده، روابط والد - فرزندی، رشد مهارت‌های اجتماعی، پیشرفت تحصیلی.

* این پژوهش با استفاده از اعتبارات پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجد سلیمان به انجام رسیده است.

نویسنده مسؤول؛ mmohebi8392@gmail.com

پذیرش: ۸۹/۳/۳۱

وصول: ۸۸/۱۱/۹

مقدمه

به نقش مؤثر خانواده در بروز این وضعیت رفتاری اشاره کرد. پژوهش‌های مختلفی حاکی از نفوذ و تأثیر روابط خانوادگی در رشد مهارت‌های اجتماعی و تحصیلی کودکان است، نایلینگ^۱ (۲۰۱۰)، در یک مطالعه طولی در مورد تأثیر عوامل مختلف خانوادگی و آموزشی بر روی نتایج تحصیلی گروه‌های مختلف دانش‌آموزی با بررسی متغیرهای جمعیت‌شناختی و درون‌دادهای آموزشی آنها، به این نتیجه رسید که پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان با مؤلفه‌های چندگانه خانوادگی همانند باورها و انتظارات والدین، اعمال انضباطی و مداخلات والدین، محیط عاطفی حاکم بر خانواده و منابع در دسترس خانوادگی ارتباط دارد.

سکر و همکاران^۲ (۲۰۰۹)، در پژوهش خود با عنوان مهارت‌های اجتماعی و رفتار مبتنی بر مسأله کودکان پیش‌دبستانی پرورشگاهی با سبک‌های شناختی تأملی - تکانشی به این نتیجه دست یافتند که کودکان تکانشی در موقعیت‌های اجتماعی و مشارکت اجتماعی از کارآمدی کمتری از کودکان تأملی برخوردارند، رفتار این گروه از کودکان در موقعیت‌های حل مسأله نمونه‌ای از بیش‌فعالی - کمبود توجه و رفتارهای ضداجتماعی - پرخاشگرانه است. سنت و همکاران^۳ (۲۰۰۹)، در مطالعه‌ای با عنوان تأثیر روابط خانوادگی بر نحوه پردازش اطلاعات و سازگاری آموزشی یک نمونه ۲۱۰ نفری دانش‌آموزان پایه اول مشخص کردند که وجود روابط بین‌والدینی ناایمن به‌طور غیرمستقیم با پیشرفت تحصیلی ضعیف و پردازش منفی اطلاعات در وقایع استرس‌آور مرتبط با همسالان رابطه دارد که این وضعیت افزایش ناسازگاری کودک در طی یک دوره یکساله را پیش‌بینی می‌کند.

روپنرین و همکاران^۴ (۲۰۰۶)، در پژوهشی با عنوان تأثیر سبک‌های والدینی، مداخلات تحصیلی والد-کودک در خانه و ارتباط والدین با مدرسه بر روی رفتارهای اجتماعی و مهارت‌های تحصیلی کودکان، به این نتیجه رسیدند که سبک والدینی استبدادی پدر با مهارت‌های اکتسابی و وسعت واژگان کودکان رابطه منفی دارد؛ در حالی که سبک اقتدارگرایانه پدر و تعامل تحصیلی او با فرزند در خانه و تماس مداوم با مدرسه کودک با رشد این مهارت‌ها و نیز رفتارهای اجتماعی کودکان رابطه مثبتی دارد؛ در مورد مادران نیز در این پژوهش مشخص گردید که سبک والدینی استبدادی مادران با رفتارهای اجتماعی

خانواده نخستین نهاد زندگی اجتماعی کودک است که در شکل‌گیری عادت‌ها و اندیشه‌های اجتماعی کودک نقش بسیار مهمی دارد. در شکل‌گیری رفتار و دیدگاه‌های اجتماعی کودک، جنبه‌های عاطفی روابط والدین و فرزندان نقش مهمی دارد، در خانواده‌هایی که والدین رفتارهای محبت‌آمیز دارند، معمولاً کودکان نیز با رفتارهای اخلاقی مثبت و احترام به دیگران و انگیزه پیشرفت رشد می‌یابند. تأثیر و نفوذ خانواده بر ابعاد مختلف رشد اجتماعی کودکان بی‌شمار است. خویش‌تن‌پنداری و احساس ارزشمندی خود در حال شکل‌گیری کودکان به‌شدت از نگرش‌های اعضای خانواده به‌خصوص پدر و مادر نسبت به او تأثیر می‌پذیرد. همچنین میزان پذیرش اجتماعی کودک از سوی همسالان و توانایی برقراری روابط صمیمانه با آنها از محیط خانوادگی او نشأت می‌گیرد، اگر والدین صادقانه به کودک محبت کنند و به وی اعتماد کنند، او نیز دوست داشتن دیگران و مورد علاقه دیگران بودن را یاد می‌گیرد. از طرف دیگر بین خودپنداره^۱، مقبولیت اجتماعی و سازگاری اجتماعی که همگی جلوه‌های مختلف رشد اجتماعی کودک هستند با پیشرفت تحصیلی آنها رابطه مثبت وجود دارد (ورشورن^۲، ۱۹۹۶). یکی از خصایص مهم کودکانی که از رشد اجتماعی کافی برخوردارند، این است که آنها واجد مهارت‌های اجتماعی^۳ هستند، به‌عبارت دیگر می‌دانند چگونه کنش کنند تا خوشایند دیگران باشند. بسیاری از روان‌شناسان بر این باورند که رشد ناکافی مهارت‌های اجتماعی نقش بسزایی در ناکامی و شکست‌های آتی کودکان دارد. کودکانی که توانایی‌های ضروری برای کارکردهای بین‌فردی مؤثر را یاد نگرفته‌اند؛ پرخاشگر، تندخو و منزوی هستند و مورد تنفر دیگران قرار گرفته و توان همکاری مؤثر با دیگران را ندارند و به‌شدت در معرض خطرات جسمی، روحی، اخراج از مدرسه و غیره می‌باشند (وارد^۴، ۲۰۰۴).

پاولس و ایوت^۵ (۱۹۹۳) معتقدند که اغلب کودکان در ارتباط با اطرافیان (والدین، خواهر، برادر و همسالان) مهارت‌های اجتماعی را بدون تلاش فرا می‌گیرند. البته بسیاری از کودکان نیز به دلایل مختلف موفق به کسب مهارت‌های اجتماعی نمی‌شوند و اغلب رفتارهای رشد نیافته و ضد اجتماعی و نامناسب از خود بروز می‌دهند که باز هم می‌توان

1. Self Concept
3. Social Skills
5. Powless & Elliot
7. Secer et al
9. Roopnarine et al

2. Verschueren
4. Ward
6. Nailing
8. Sonnette et al

که دوستان زیادی دارند و از مهارت اجتماعی بیشتری برخوردارند و قادر به مهار هیجانات منفی خود هستند و به‌طور کلی با همسالان خود خیلی خوب کنار می‌آیند.

ایزنبرگ و فابس^۱ (۱۹۹۸) در مطالعه‌ای بر روی کودکان پیش‌دبستانی به این نتیجه رسیدند که والدینی که صمیمی و دلگرم‌کننده هستند و با فرزندان خود از روی همدلی و عاطفی برخورد می‌کنند، فرزندان آنها نیز به پریشانی دیگران به همین صورت واکنش نشان می‌دهند و این رابطه تا نوجوانی و اوایل بزرگسالی ادامه می‌یابد، در مقابل فرزندپروری خشم‌آگین و تنبیهی، با اختلال در همدلی و همدردی در سنین اولیه، ارتباط دارد. هاگمن^۲ (۱۹۹۴) تحقیقی در زمینه وضوح و گرمی ارتباط والدین - فرزندان و پیشرفت تحصیلی و عملکرد روان‌شناختی کودکان خانواده‌های آفریقایی - آمریکایی انجام داد و همبستگی معناداری میان ارتباط خوب والدین با فرزندان و پیشرفت تحصیلی و شایستگی کلی آنها نشان داد.

با توجه به نظام‌مندی خانواده و از آنجایی که روابط زن - شوهری یکی از خرده‌نظام‌های مهم خانواده محسوب می‌شود، تحقیقات گوناگون نشان از تأثیر روابط زناشویی بر رشد کودکان دارد. فاور و لانگ^۳ (۱۹۹۱؛ به نقل از برجعلی، ۱۳۸۰) ناسازگاری‌های زناشویی را به‌عنوان یک تأثیر غیرمستقیم بر نحوه سازگاری کودکان تصور کرده‌اند، که از طریق تأثیراتش بر کارکرد خانواده و کیفیت تربیت فرزند عمل می‌کند. کاوان^۴ و همکاران (۱۹۹۴) تأثیر کیفیت روابط زناشویی را بر سازگاری اجتماعی کودکان کودکان‌کستانی آزمایش کردند، نتایج نشان‌دهنده شواهد مستقیم و غیرمستقیم این روابط در سازگاری اجتماعی کودکان است. از نظر آنها مشکلات درونی‌سازی کودکان (مانند حالت‌های کمروبی و کناره‌گیری اجتماعی) حاصل تأثیر عملکرد زناشویی بر کیفیت تربیت فرزند است، در حالی که مشکلات برون‌سازی (مانند حالت‌های ضدا اجتماعی و پرخاشگری کودکان) براساس کیفیت تعامل‌های زناشویی قابل پیش‌بینی بود. گاتمن و گاتز^۵ (۱۹۹۳) در پژوهشی با عنوان تأثیر اختلافات زناشویی بر روی ارتباط متقابل کودکان با همسالان و همچنین سلامتی آنها، به این نتیجه رسیدند که والدینی که برای حل تعارض‌های خود شیوه‌های خصمانه‌ای به‌کار می‌برند، فرزندان دارند که از نظر معلمانشان دارای نشانه‌های رفتار ضد اجتماعی هستند. به نظر

کودکان رابطه منفی دارد، در حالی که مادری که ارتباط مستمر با مدرسه فرزند خود دارند، فرزندان آنها از رشد اجتماعی بالاتری برخوردارند.

روبین و میلز^۱ (۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان باورهای مادرانه درباره رفتارهای اجتماعی سازگاران و غیرسازگاران سه گروه کودکان کناره جو (منفعل)، پرخاشگر و عادی پیش‌دبستانی به این نتیجه رسیدند که مادران کودکان کناره‌گیر بیشتر از مادران کودکان عادی اعتقاد دارند که مهارت‌های اجتماعی را باید با روش دستوری (رهنمودی) به فرزندان خود آموزش دهند و رفتارهای ناسازگاران آنها را باید با روش اجباری و تحکم‌آمیز پاسخ داد. این‌گونه مادران همچنین، بیشتر از مادران کودکان عادی در برابر رفتارهای ناسازگاران فرزندان خود احساس گناه و شرم می‌کردند و این رفتارها را به عوامل ذاتی نسبت می‌دادند. مادران کودکان پرخاشگر نیز برای آموزش مهارت‌های اجتماعی به فرزندان خود بیشتر روش‌های دستوری را به‌کار می‌بردند و نسبت به رفتارهای ناسازگاران آنها بی‌تفاوت بودند. مک فارلین^۲ (۲۰۰۵)؛ به نقل از رضایی و دیگران، ۱۳۸۶) در یک پژوهش بین‌المللی دریافت که جو عاطفی خانوادگی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، توانایی شناختی مادر، رضایت شغلی و تحصیلات او در دانشگاه و ترجیحات اولیه برای شکل‌گیری خانواده با عملکرد مدرسه‌ای فرزندان رابطه دارند و اگر معلم به نقش والدین در عملکرد مدرسه حساس باشند، می‌توانند از آنها برای بهبود عملکرد دانش‌آموزان استفاده کنند.

کینس فوگل و گریچ^۳ (۲۰۰۴) در مطالعه‌ای دریافتند که در خانواده‌هایی که بین والدین تعارض‌هایی وجود دارد و کودکان شاهد دعوی سخت در سطح کلامی و لفظی و جسمی بودند، در روابط با دیگران به مقدار زیاد چنین رفتارهایی را از خود بروز می‌دادند و حتی این وضعیت ممکن است بر روابط نامزدی و شریک‌زندگی آنها تأثیر بگذارد. ایزلی^۴ و همکاران (۱۹۹۹) در مطالعه‌ای با عنوان تأثیرات والدین بر روابط اولیه کودکان پیش‌دبستانی با همسالان خود به این نتیجه رسیدند که والدینی که با کودکانشان صمیمی هستند و غالباً برای فرزندان‌شان شرایط بازی با همسالان را ترتیب می‌دهند و در مورد حل کردن اختلافات فرزندان خود با دوستان‌شان، توصیه‌های ماهرانه‌ای به آنها می‌کنند، دارای فرزندان هستند

1. Rubin & Mills
3. Kinsfogel & Grych
5. Eisenberg & Fabes
7. Fauber & Long
9. Gottman & Long

2. Mcfarlin
4. Isley
6. Hagman
8. Cowan

دبیرستان‌های پسرانه مسجدسلیمان، رابطه معناداری بین متغیرهای نامبرده به دست آوردند و مشخص شد که نقش مجموع متغیرهای جو عاطفی خانواده از نقش تک‌تک آنها در پیش‌بینی سازگاری فردی - اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان بیشتر است؛ از بین حیطه‌های جو عاطفی متغیرهای محبت کردن، تأیید کردن، تجربه‌های مشترک و احساس امنیت با متغیر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سازگاری اجتماعی رابطه معنادار دارند و از بین آنها وجود تجربه‌های مشترک بین فرزندان و والدین بهترین پیش‌بینی‌کننده مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان بود.

بنابراین با توجه به نقش مهم خانواده و فضای عاطفی حاکم بر آن در پرورش مهارت‌های اجتماعی و تحصیلی کودکان، این پژوهش بر آن است تا رابطه بین جو عاطفی خانواده (روابط والد - فرزندی)، رشد مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی را مورد بررسی قرار دهد. به علاوه در پی آن است تا مشخص کند، کدام‌یک از حیطه‌های جو عاطفی خانواده پیش‌بین‌های معناداری برای مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی این دانش‌آموزان هستند.

روش پژوهش

بر مبنای هدف اصلی پژوهش که بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با رشد مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی بود، از روش توصیفی نوع همبستگی استفاده گردید.

جامعه آماری: شامل کلیه دانش‌آموزان پسر و دختر پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی شهرستان مسجدسلیمان در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ بود. تعداد نمونه مورد مطالعه ۲۸۹ نفر بود، که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای (به‌طور جداگانه برای دانش‌آموزان دختر و پسر) و براساس جدول انتخاب نمونه کرجسی و مورگان^۱ (۱۹۷۰) انتخاب گردیدند، بدین صورت که پس از دریافت آمار کل دانش‌آموزان دختر و پسر پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی (۴۸۷۳ نفر) از اداره آموزش و پرورش، از بین کل دبستان‌های دخترانه و پسرانه شهرستان، ۱۲ دبستان به‌طور تصادفی انتخاب و سپس متناسب با تعداد پایه‌های چهارم و پنجم هر دبستان، در نهایت ۱۱ کلاس (۵ کلاس دخترانه و ۶ کلاس پسرانه) که جمعاً ۲۸۹ دانش‌آموز (۱۴۷ پسر و ۱۴۲ نفر) بود، انتخاب گردیدند.

آنها وقتی پدران این کودکان افرادی عصبانی بودند و از لحاظ عاطفی از حل تعارض زناشویی فاصله می‌گرفتند، معلمان کودکانشان را افرادی مضطرب و دارای انزوای اجتماعی توصیف می‌کردند. به‌طور کلی آنها دریافتند زوج‌هایی که ازدواج آشفته داشتند، شیوه‌های فرزندپروری سرد (بی‌علاقگی، عصبانیت و اجرای ضعیف محدودیت‌ها و ساختارها) را به‌کار می‌گرفتند و در نتیجه کودکان این والدین فشار روانی زیادی از خود نشان می‌دادند و از سایر بچه‌ها ناراحت‌تر و عصبانی‌تر بودند، به علاوه در بازی با همسالان تعامل‌های منفی از خود نشان می‌دادند. گلچین و همکاران (۱۳۸۰) در پژوهش خود بین عملکرد خانواده و برخی از ویژگی‌های روانی نوجوانان دختر و پسر ارتباط مثبتی به‌دست آوردند. براساس نتایج این تحقیق هرچه عملکرد خانواده مطلوب‌تر باشد، فرزندان از ویژگی‌هایی همچون خودپنداره، مسئولیت‌پذیری، امید به آینده و گرایش مذهبی مطلوب‌تری برخوردارند. لعلی‌فاز و عسکری (۱۳۷۶) در پژوهش خود با عنوان توان پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و متغیرهای جمعیت‌شناختی بر احساس تنهایی دختران دانش‌آموز به این نتایج دست یافتند که سبک فرزندپروری مقتدرانه به‌ویژه دو مؤلفه گرمی - حمایت‌گری و خودمختاری آن و همچنین متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده می‌توانند احساس تنهایی را در دانش‌آموزان کاهش دهند.

آتش‌روز و همکاران (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان از طریق میزان دلبستگی آنها با والدین و همسالان به این نتیجه دست یافتند که رابطه معناداری بین این متغیرها وجود دارد. در این پژوهش مشخص گردید، دلبستگی به مادر بیشترین قدرت پیش‌بینی‌کنندگی پیشرفت تحصیلی فرزندان است. محسنی کوچصفهانی (۱۳۷۶) در پژوهش خود در رابطه با افت تحصیلی از دانش‌آموزان خواسته بود که مهمترین عواملی که موجب افت تحصیلی در آنها می‌شود را نام ببرند. نتایج نشان داد که از نظر دانش‌آموزان شرکت‌کننده، خانواده مهمترین عاملی است که در پیشرفت تحصیلی آنها مؤثر است. به‌طوری که در حدود ۶۵ درصد از دختران و ۷۰ درصد از پسران عقب‌ماندگی تحصیلی خود را ناشی از عوامل مربوط به خانواده خود می‌دانستند.

محبی نورالدین وند، شهنی ییلاق و پاشا (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان رابطه بین جو عاطفی اعضای خانواده با سازگاری فردی - اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان

در این پژوهش جو عاطفی خانواده و هشت حیطه آن به‌عنوان متغیر پیش‌بین و متغیر مهارت اجتماعی و پیشرفت تحصیلی متغیرهای ملاک هستند. برای جمع‌آوری اطلاعات از مقیاس روابط والد-فرزند و آزمون رشد مهارت‌های اجتماعی استفاده شد. الف) مقیاس روابط والد - فرزند: این مقیاس را آلفرد بی هیل‌برن^۱ (۱۹۶۴، به نقل از حقیقی و همکاران، ۱۳۸۱) به‌منظور سنجش میزان مهرورزی در تعاملات پدر و مادر - فرزندی ساختند. این مقیاس دارای ۸ خرده‌مقیاس شامل: محبت، نوازش، تأیید کردن، تجربه‌های مشترک، هدیه دادن، تشویق کردن، اعتماد کردن و احساس امنیت است. کل مقیاس شامل شانزده پرسش و هر خرده‌مقیاس در برگیرنده دو پرسش است. پرسش‌های فرد به پیوند عاطفی پدر و فرزند و پرسش‌های زوج به پیوند عاطفی مادر و فرزند اختصاص دارند. برای هر پرسش نیز یک طیف پنج‌گانه پاسخدهی وجود دارد، نخستین پاسخ نشان‌دهنده ضعیف‌ترین و آخرین پاسخ نشان‌دهنده نیرومندترین رابطه عاطفی است که از زمان گذشته تا حال بین پدر و مادر و فرزند وجود داشته است. برای ارزیابی پایایی این آزمون حقیقی، شکرکن و موسوی‌شوشتری (۱۳۸۱) از روی ماده‌های آزمون اقدام به تهیه یک پرسشنامه ملاک کردند که به نوعی متفاوت به ارزیابی حیطه‌های هشتگانه این مقیاس می‌پرداختند، که پس از اجرای آن بر روی یک نمونه ۱۰۰ نفری از دانش‌آموزان، ضریب همبستگی بین نمره کل مقیاس روابط عاطفی اعضای خانواده، حیطه‌های هشتگانه آن و پرسشنامه ملاک را محاسبه که این ضریب بین نمره کل این دو آزمون (۰/۶۴ = r، $P < 0/001$) به‌دست آمد، نتایج ضریب همبستگی بین این دو آزمون نشان داد که پایایی این آزمون در حد مطلوب است و می‌توان به نتایج آن اعتماد کرد.

ب) آزمون رشد مهارت‌های اجتماعی: این آزمون را کرامتی در سال ۱۳۸۶ به‌منظور سنجش میزان رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان و براساس دیدگاه گروهی از متخصصان در زمینه مهارت‌های اجتماعی مانند واکر^۲ و همکاران (۱۹۸۳) طراحی کرد. آزمون ۴۰ پرسش دارد با سه گزینه پاسخ (بلی، خیر، گاهی اوقات) که در مقیاس فاصله‌ای نمره‌گذاری می‌شود به‌طوری که حداکثر نمره آزمودنی ۱۲۰ است (اگر به همه سؤالات گزینه بلی را پاسخ دهد) و حداقل نمره ۴۰ (اگر برای همه سؤالات گزینه خیر انتخاب شود) و نمره متوسط ۸۰ (اگر نشان‌دهنده رشد مهارت‌های اجتماعی کامل، ضعیف، و متوسط دانش‌آموز است. به‌منظور سنجش روایی آزمون، کرامتی (۱۳۸۶)، از ۱۵ نفر از استادان متخصص دانشگاه فردوسی مشهد و سایر دانشگاه‌های استان خراسان در مورد پایایی آزمون نظرخواهی کرد که مورد تأیید همه آنها قرار گرفت. همچنین وی ضریب پایایی آزمون را ۰/۸۹۵ به‌دست آورد. در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی مقیاس‌های جو عاطفی خانواده و مهارت‌های اجتماعی به روش آلفای کرانباخ محاسبه گردید که مقدار این ضریب در مورد مقیاس روابط عاطفی خانواده ۰/۸۹۱ و در مورد مقیاس رشد مهارت‌های اجتماعی ۰/۸۱۰ به‌دست آمد. همچنین به‌منظور سنجش پیشرفت تحصیلی آزمودنی‌ها، از میانگین نمرات نیمسال اول سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ دانش‌آموزان استفاده گردید.

نتایج و یافته‌ها

یافته‌های توصیفی این پژوهش شامل میانگین و انحراف معیار آزمودنی‌های نمونه برای مقیاس جو عاطفی خانواده و حیطه‌های آن و مقیاس رشد مهارت اجتماعی در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار نمره آزمودنی‌ها در متغیرهای مورد بررسی

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	متغیرها	میانگین	انحراف معیار
محبت کردن	۹/۱۴۵	۱/۲۵۰	تشویق کردن	۸/۵۲۶	۱/۸۴۳
نوازش کردن	۸/۳۹۱	۱/۷۶۳	اعتماد کردن	۸/۴۳۹	۱/۸۷۴
تأیید کردن	۸/۰۱۰	۱/۹۴۱	احساس امنیت کردن	۸/۸۶۲	۱/۵۲۵
تجربه‌های مشترک	۷/۴۲۹	۲/۳۵۰	نمره رابطه پدر - فرزندی	۳۲/۹۴۵	۵/۷۴۴
هدیه دادن	۷/۹۷۲	۲/۱۳۰	نمره رابطه مادر - فرزندی	۳۳/۸۳۰	۵/۷۱۲
نمره کل مقیاس جو عاطفی خانواده	۶۶/۷۷۵	۱۰/۶۲۳	نمره کل آزمون مهارت‌های اجتماعی	۹۹/۴۷۴	۱۱/۵۲

کردن و نمره رشد مهارت اجتماعی آنها رابطه معنادار دیده می‌شود؛ نمره رابطه پدر - فرزندی نیز با رشد مهارت اجتماعی رابطه معناداری دارد ($r=0/211$)، ولی رابطه مادر - فرزندی رابطه معناداری با رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پسر ندارد. در مورد دانش‌آموزان دختر نیز همان‌گونه که نتایج جدول نشان می‌دهد، بین نمره کل جو عاطفی خانواده و نمره رشد مهارت اجتماعی رابطه معنادار در سطح اطمینان $0/01$ وجود دارد ($r=0/283$). همچنین بین حیطه‌های محبت کردن، تجربه‌های مشترک و نمره رابطه پدر - فرزندی، و نمره مادر - فرزندی در سطح $0/01$ با نمره رشد مهارت اجتماعی رابطه معنادار دیده می‌شود؛ و حیطه‌های نوازش کردن، تأیید کردن، هدیه دادن، و تشویق کردن، نیز در سطح $0/05$ با رشد مهارت اجتماعی رابطه معنادار دارند و فقط دو حیطه اعتماد کردن، و احساس امنیت رابطه معناداری با رشد مهارت اجتماعی ندارند. **فرضیه دوم:** برخی از حیطه‌های جو عاطفی خانواده از توان بیشتری در پیش‌بینی رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پسر و دختر پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی شهرستان مسجدسلیمان برخوردارند.

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود در بین حیطه‌های هشتگانه مقیاس جو عاطفی بیشترین میانگین مربوط به متغیر محبت کردن ($9/145$) و کمترین میانگین مربوط به هدیه دادن ($7/972$) است. در ضمن بیشترین انحراف معیار مربوط به تجربه‌های مشترک ($2/350$) و کمترین انحراف معیار مربوط به محبت کردن ($1/250$) است. همچنین از مقایسه میانگین‌ها معلوم می‌شود که میانگین نمره رابطه مادر - فرزندی ($33/830$) از میانگین نمره رابطه پدر - فرزندی ($32/945$) بیشتر است. میانگین نمرات دانش‌آموزان در مقیاس مهارت‌های اجتماعی نیز برابر با $99/474$ و انحراف معیار آن $11/520$ می‌باشد. **فرضیه اول:** بین جو عاطفی خانواده و هشت حیطه آن با رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پسر و دختر پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی شهرستان مسجدسلیمان رابطه معنادار وجود دارد. از نتایج بررسی فرضیه اول در جدول ۲ چنین برمی‌آید که در مورد دانش‌آموزان پسر بین نمره کل جو عاطفی خانواده و نمره مقیاس رشد مهارت‌های اجتماعی رابطه معنادار در سطح $0/05$ وجود دارد ($r=0/198$). همچنین بین حیطه‌های تأیید کردن، تجربه‌های مشترک، تشویق کردن و احساس امنیت

جدول ۲- ضرایب همبستگی بین جو عاطفی خانواده و حیطه‌های آن با رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان

متغیر ملاک (رشد مهارت‌های اجتماعی)				متغیرهای پیش‌بین
دختر		پسر		
P	r	P	r	
0/001	**0/283	0/016	*0/198	نمره کل جو عاطفی خانواده
0/001	**0/282	0/773	0/024	محبت کردن
0/019	*0/197	0/512	0/054	نوازش کردن
0/024	*0/189	0/019	*0/193	تأیید کردن
0/003	**0/252	0/011	*0/210	تجربه‌های مشترک
0/014	*0/205	0/285	0/089	هدیه دادن
0/04	*0/172	0/022	*0/188	تشویق کردن
0/085	0/145	0/060	0/156	اعتماد کردن
0/380	0/074	0/003	**0/242	احساس امنیت
0/005	**0/236	0/010	*0/211	رابطه پدر- فرزندی
0/001	**0/288	0/056	0/158	رابطه مادر- فرزندی

رشد مهارت‌های اجتماعی خانواده

** معنادار در سطح $0/01$ (دو دامنه)

* معنادار در سطح $0/05$ (دو دامنه)

جدول ۳- تحلیل رگرسیون چندگانه گام به گام برای پیش‌بینی رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان براساس حیطه‌های جو عاطفی خانواده

متغیر پیش‌بینی شونده	جنسیت	متغیرهای پیش‌بینی‌کننده	مجدور آر تنظیم شده	مقدار بتا	نسبت F سطح P
مهارت‌های اجتماعی	پسر (۱۴۷ نفر)	احساس امنیت	$R^2=0/052$	$\beta = 0/242$	$F = 9/053$ $P < 0/003$
	دختر (۱۴۲ نفر)	محبت کردن تجارب مشترک	$R^2=0/092$	$\beta = 0/172$	$F = 8/182$ $P < 0/001$

جدول ۴- ضرایب همبستگی بین جو عاطفی خانواده و حیطه‌های آن با میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر

متغیر ملاک (پیشرفت تحصیلی)				متغیرهای پیش‌بین	
دختر		پسر			
P	r	P	r		
0/028	*0/184	0/001	**0/272	نمره کل جو عاطفی خانواده	رشد مهارت‌های اجتماعی خانواده
0/001	**0/264	0/001	**0/261	محبت کردن	
0/302	0/087	0/036	**0/173	نوازش کردن	
0/519	0/055	0/294	0/087	تأیید کردن	
0/491	0/058	0/006	**0/226	تجربه‌های مشترک	
0/018	*0/198	0/028	*0/181	هدیه دادن	
0/007	**0/224	0/000	**0/348	تشویق کردن	
0/427	0/067	0/247	0/096	اعتماد کردن	
0/215	0/105	0/004	**0/234	احساس امنیت	
0/041	*0/172	0/001	**0/264	رابطه پدر - فرزندی	
0/051	0/164	0/003	**0/243	رابطه مادر - فرزندی	

* معنادار در سطح 0/05 (دو دامنه) ** معنادار در سطح 0/01 (دو دامنه)

واریانس مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر را تبیین می‌کنند، و از بین آنها، حیطه محبت کردن ۲۲ درصد و حیطه تجارب مشترک ۱۷/۲ درصد واریانس مدل را تبیین می‌کنند. بقیه حیطه‌های جو عاطفی خانواده پیش‌بین‌های معناداری نبودند.

فرضیه سوم: بین جو عاطفی خانواده (هشت حیطه آن) و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر و دختر پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی شهرستان مسجدسلیمان رابطه معنادار وجود دارد.

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که حیطه‌های هشتگانه جو عاطفی خانواده فقط ۵/۲ درصد از واریانس مهارت‌های اجتماعی را تبیین می‌کنند، و از این میان حیطه احساس امنیت کردن قدرت پیش‌بینی‌کنندگی مهارت اجتماعی دانش‌آموزان پسر را دارد و ۲۴/۲ درصد این واریانس را تبیین می‌کند و دیگر حیطه‌های جو عاطفی خانواده، در این الگو پیش‌بینی‌کننده‌های معناداری نبودند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که حیطه‌های هشتگانه جو عاطفی خانواده فقط ۹/۲ درصد

جدول ۵- تحلیل رگرسیون چندگانه گام به گام برای پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان براساس حیطه‌های جو عاطفی خانواده

متغیر پیش‌بینی شونده	جنسیت	متغیرهای پیش‌بینی‌کننده	مجذور آر تنظیم شده	مقدار بتا	نسبت F سطح P
پیش‌بینی شونده	پسر (۱۴۷ نفر)	تشویق کردن	$R^2=0/115$	$\beta = 0/348$	$F = 19/98$ $P < 0/000$
	دختر (۱۴۲ نفر)	محبت کردن	$R^2=0/063$	$\beta = 0/264$	$F = 10/489$ $P < 0/001$

حیطه‌های هشتگانه جو عاطفی خانواده فقط ۶۳ درصد واریانس را تبیین می‌کند و توان بالایی ندارد. از بین این حیطه‌ها، محبت کردن به تنهایی ۲۶/۴ درصد قدرت پیش‌بینی را در اختیار دارد و دیگر حیطه‌های جو عاطفی خانواده در این مدل معنادار نبودند.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد، ضرایب همبستگی بین نمره کل جو عاطفی خانواده و رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پسر و دختر معنادار است. و از بین حیطه‌های جو عاطفی خانواده در مورد دانش‌آموزان پسر حیطه‌های تأیید کردن، تجربه‌های مشترک، تشویق کردن، احساس امنیت و رابطه پدر - فرزندی با رشد مهارت‌های اجتماعی رابطه معنادار دارند، و در مورد دانش‌آموزان دختر نیز به غیر از دو حیطه اعتماد کردن و احساس امنیت بقیه حیطه‌های جو عاطفی خانواده با نمره کل مقیاس رشد مهارت‌های اجتماعی رابطه مثبت معنادار دارند. در جدول ۳، نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه گام به گام برای تعیین پیش‌بینی مهارت‌های اجتماعی از روی حیطه‌های جو عاطفی، نشان می‌دهد که در مورد دانش‌آموزان پسر، حیطه احساس امنیت از توان پیش‌بینی‌کنندگی مهارت‌های اجتماعی برخوردار است و در مورد دانش‌آموزان دختر نیز دو حیطه محبت کردن و تجارب مشترک بین والدین و فرزندان بهترین پیش‌بینی‌کننده‌های رشد مهارت‌های اجتماعی محسوب می‌گردند. نتایج به‌دست آمده از بررسی فرضیه‌های اول و دوم این پژوهش هماهنگ با یافته‌های به‌دست آمده از پژوهش‌های قبلی است (به‌عنوان مثال: روپنرین و همکاران، ۲۰۰۶؛ روبین و میلز، ۲۰۰۵؛ کینس فوگل و گریچ، ۲۰۰۴؛ ایزلی و همکاران، ۱۹۹۹؛ ایزنبرگ و

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، بین نمره کل جو عاطفی خانواده و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر رابطه معناداری در سطح اطمینان ۰/۰۱ وجود دارد ($F=0/272$). این ارتباط معنادار در مورد همه حیطه‌های جو عاطفی خانواده به غیر از دو حیطه تأیید کردن و اعتماد کردن مشاهده می‌شود. بالاترین مقدار همبستگی بین حیطه تشویق کردن با پیشرفت تحصیلی است ($F=0/348$) که در سطح اطمینان ۰/۰۱ نیز معنادار است. همچنین بین رابطه پدر و مادر - فرزندی، با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در سطح اطمینان ۰/۰۱ (به ترتیب $F=0/264$ و $F=0/243$) رابطه معنادار مشاهده می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که بین نمره کل جو عاطفی خانواده و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر نیز رابطه معناداری در سطح اطمینان ۰/۰۵ وجود دارد ($F=0/184$). این همبستگی معنادار برای حیطه‌های محبت کردن، هدیه دادن، و تشویق کردن نیز به چشم می‌خورد، که در این میان بالاترین همبستگی معنادار بین حیطه تشویق کردن با میانگین درسی مشاهده می‌شود ($F=0/224$).

فرضیه چهارم: برخی از حیطه‌های جو عاطفی خانواده از توان بیشتری در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر و دختر پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی شهرستان مسجدسلیمان برخوردارند.

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که مدل حیطه‌های هشتگانه جو عاطفی خانواده برای پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر، ۱۱/۵ درصد واریانس را تبیین می‌کند، و از بین حیطه‌های هشتگانه، حیطه تشویق کردن به تنهایی ۳۴/۸ درصد واریانس مدل را تبیین می‌کند. در این مدل بقیه حیطه‌های جو عاطفی خانواده پیش‌بین‌های معناداری نبودند. مدل پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر نیز از روی

فابس، ۱۹۹۸؛ محبی نورالدین‌وند و همکاران، ۱۳۸۲؛ گلچین و همکاران، ۱۳۸۰؛ لعلی‌فاز و عسکری؛ ۱۳۷۶). همسویی بین یافته‌های پژوهش حاضر و پژوهش‌های دیگر نشان‌دهنده این واقعیت است که روابط عاطفی پدر و مادر با فرزندان نقش بسیار مهمی در فرایند اجتماعی شدن کودکان دارد. در خانواده‌هایی که والدین رفتارهای محبت‌آمیز دارند و با فرزندان خود نیز همدلی و تعامل مثبت دارند، معمولاً کودکان نیز با رفتارهای اخلاقی مثبت و توأم با احترام با دیگران ارتباط برقرار خواهند کرد. در واقع می‌توان نتیجه گرفت که با اینکه والدین و خانواده تنها کسانی نیستند که در اجتماعی کردن فرزندان شرکت دارند، همواره خانواده به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی شدن آنان در نظر گرفته می‌شود و جنبه‌های عاطفی روابط والدین و فرزندان در این زمینه جایگاه محوری دارد. اگر پدر و مادر روابط گرم و صمیمانه‌ای با فرزندانشان داشته باشند و همواره نیازهای کودکان خود را از راه مطلوب و در حد لزوم تأمین کنند، آنها با غرور و اعتماد به‌نفس پا به عرصه زندگی اجتماعی می‌گذارند و در حل مشکلات به خود ترس و بیم راه نمی‌دهند و با دوستان، همکلاسان، معلمان و به‌طور کلی محیط و اجتماع مشکلی نخواهند داشت. کودکان همان‌طور که مهارت‌های اجتماعی را از طریق آموزش مستقیم والدین می‌آموزند، با مشاهده نحوه عملکرد والدین در موقعیت‌های مختلف اجتماعی، عملکرد اجتماعی مطلوب را یاد می‌گیرند.

همچنین نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد ضرایب همبستگی بین نمره کل جو عاطفی خانواده و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر و دختر معنادار است. نتایج این جدول نشان می‌دهد پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر با محبت کردن، نوازش کردن، تجربه‌های مشترک، هدیه دادن، تشویق کردن، و احساس امنیت آنها در محیط خانواده رابطه مثبت معنادار دارد. و در مورد دانش‌آموزان دختر نیز با محبت کردن، هدیه دادن و تشویق کردن آنها رابطه مثبت معنادار دارد. با ملاحظه جدول ۵، نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه گام به‌گام برای تعیین پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی از روی حیطه‌های جو عاطفی، نشان می‌دهد که در مورد دانش‌آموزان پسر از بین این حیطه‌ها، حیطه تشویق کردن و در مورد دانش‌آموزان دختر نیز حیطه محبت کردن بهترین پیش‌بینی‌کننده‌های پیشرفت تحصیلی این دانش‌آموزان محسوب می‌گردند. که این یافته لزوم اهمیت و توجه بیشتر خانواده‌ها به برقراری رابطه عاطفی عمیق و استفاده از شکل‌های مختلف تقویت برای بهبود عملکرد تحصیلی فرزندان نشان به‌خصوص در مقطع ابتدایی را می‌رساند. نتایج به‌دست آمده از بررسی فرضیه‌های سوم و چهارم این پژوهش

یافته‌های پژوهش‌هایی تأیید می‌کند که در داخل و خارج از کشور ارتباط معنادار بین جو عاطفی خانواده و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را نشان داده‌اند، (برای مثال: ناپلینگ، ۲۰۱۰؛ سنت و همکاران، ۲۰۰۹؛ مک فارلین، ۲۰۰۵؛ هاگمن، ۱۹۹۴؛ آتش‌روز و همکاران، ۱۳۸۴؛ محبی نورالدین‌وند و همکاران، ۱۳۸۲؛ محسنی کوچصفهانی، ۱۳۷۶). هماهنگی بین یافته‌های پژوهش حاضر و پژوهش‌های انجام شده قبلی نشان می‌دهد که میان جو عاطفی خانواده و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه مثبت معنادار وجود دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت آنجا که والدین به نیازهای عاطفی فرزندان خود در حد معقول رسیدگی کنند و با آگاهی از اصول تعلیم و تربیت و چگونگی رشد شخصیت و ویژگی‌های کودک در هر مرحله از رشد آنها، با فرزندان خود برخورد کنند، شاهد پیشرفت تحصیلی آنها خواهیم بود. بدیهی است که شرط لازم برای داشتن توجه، انگیزه و اشتیاق به یادگیری و پیشرفت تحصیلی کودکان، تأمین نیازهای اساسی آنها در محیط خانواده، به‌خصوص از سوی والدین است. ارضا نشدن یا ارضای ناقص نیازهای فیزیولوژیک و همچنین نیازهای روانی همانند نیاز به امنیت، محبت و احترام باعث می‌گردد تا کودکان در مدرسه دستخوش اضطراب و ناامنی شوند و به جای حل مسأله و پرداختن به تکالیف شناختی، بیشتر نگران و دل‌پوس نیازهای زیستی و عاطفی خود و همین‌طور شرایط ناامن و فضای تهدیدآمیز کلاس درس باشند. بنابراین می‌توان گفت که بسیاری از مشکلات رشد و تعلیم و تربیت کودکان در فضای عاطفی حاکم بر خانواده ریشه دارد و حل این مشکلات از طریق کمک به رشد و آگاهی والدین انجام می‌گیرد. در مورد تبیین تفاوت حیطه‌های جو عاطفی خانواده در رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان و پیشرفت تحصیلی آنان در این پژوهش، توجه به تفاوت‌های فرهنگی و نحوه فرزندپروری و جو عاطفی خانواده در جامعه آماری تحقیق نیز حایز اهمیت است مثلاً در این پژوهش حیطه هدیه دادن در پیشرفت تحصیلی واریانس زیادی را تبیین نکرد و این امر شاید برمی‌گردد به عوامل فرهنگی که در این جامعه آماری کمتر والدین به کودکان خود هدیه می‌دهند.

منابع

آتش‌روز، بهروز. شهلا پاکدامن و علی عسگری. (۱۳۸۴)، «بررسی رابطه و پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی از طریق میزان دل‌بستگی به مادر، پدر و همسالان دانش‌آموزان سال اول دبیرستان»، *فصلنامه پژوهشی خانواده*، دانشگاه شهید بهشتی تهران.

- Hagman, Julie. (1994). Parent-child communication clarity, children's academic achievement, and psychology functioning: A study of inner city African-American families, California school of professional psychology. *Berkeley Alameda degree: PhD*.
- Isley, S.L., O'Neil, R., Clatfelter, D., & Parke, R.D. (1999). Parent and child expressed effect and children's social competence: Modeling direct and indirect pathways. *Development Psychology, 35*, 547-560.
- Kinsfogel, M., & Grych, H. (2004). Interparental conflict and adolescent dating relationships. *Journal of family psychology, 18*, 505-515.
- Krejcie, R.V. & Morgan, D.W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational & Psychological Measurement, 30*, 607-610.
- Nailing, Xia. (2010). Family factors and student outcomes. *Rand Corporation, Ph.D. ERIC Document Reproduction Service, Retrieved http://www.eric.ed.gov/ERICPortal/recordDetail?acno=EJ302109*.
- Powless, D.L. & Elliot, S.N. (1993). Assessment of social skills of Native American preschoolers: teachers and parents ratings. *The Journal of school Psychology, 31*(2), 293-307.
- Roopnarine, Jaipaul. L., krishnakumar, Ambica. Metindogan, Aysegul., & Evans, Melanie. (2006). Links between parenting styles, parent- child academic interaction, parent- school interaction, and early academic skills and social behaviors in young children of English- speaking Caribbean immigrants. *Early Childhood Research Quarterly 21*, 238-252.
- Rubin, K.H., & Mills, R.L. (2005). Maternal beliefs about adaptive and maladaptive social behaviors in normal, aggressive and withdrawn preschools. *Journal of Abnormal psychology, 18*, 4, 419-435.
- Secar, Zarife. And others (2009). Social skills and problem behavior of children with different cognitive styles who attend preschool education. Retrieved 4-7 February 2009, <http://www.ScinceDirect.com>.
- Sonnette, M.B. And others (2009). Children's Representation of family Relationships, peer information, and school Adjustment. *Developmental Psychology, V 45, N 6, P 1740-1751*. Retrieved, <http://www.elsevier.com>.
- Verschuren, K. (1996). The internal working model of self, and competence in five years old. *Journal of child development, 67*, 5, 2493-2511.
- Walker, H. and others. (1983). the walker social skills curriculum. *Austin university of Oregon, TX: Pro-Ed*.
- Ward, S.M. (2004). Our children's social skills. *Eric Digest. ERIC Document Reproduction Service, Retrieved http://www.eric.ed.gov/ERICPortal/recordDetail?acno=ED411279*.
- برجعی، احمد. (۱۳۸۰)، *تحول شخصیت در نوجوان*، تهران، انتشارات وراى دانش.
- حقیقی، جمال. حسین شکرکن و مزگان موسوی شوشتری. (۱۳۸۱)، «بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با سازگاری دانش‌آموزان دختر پایه سوم مدارس راهنمایی اهواز». *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، دوره سوم، سال نهم، شماره‌های ۱ و ۲، صص ۷۹ تا ۱۰۸.
- رضایی، فاطمه. حسن احدی. حسن پاشا شریفی و یوسف کریمی. (۱۳۸۶)، «رابطه کیفیت زندگی والدین با عملکرد مدرسه‌ای دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر اصفهان»، *فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان*، سال نهم، شماره ۳۳، صص ۱۴۸-۱۳۱.
- کرامتی، محمدرضا. (۱۳۸۶)، «تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی ریاضی»، *مجله علمی - پژوهشی روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران*، سال سی و هفتم، شماره ۱، صص ۵۵-۳۹.
- گلچین، مه‌ری و همکاران. (۱۳۸۰)، «ارتباط عملکرد خانواده با برخی ویژگی‌های روانی نوجوانان دختر و پسر»، *مجله پژوهش در علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی اصفهان*.
- لعلی‌فاز، احمد و عباسعلی عسکری. (۱۳۸۶)، «بررسی توان پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و متغیرهای جمعیت‌شناختی بر احساس تنهایی دختران دانش‌آموز»، *فصلنامه اصول بهداشت روانی*، سال دهم، شماره سی و هفتم، صفحه ۸۸-۷۱.
- محبی نورالدین وند، محمدحسین. منیجه شهینی‌بیلاق و غلامرضا پاشا. (۱۳۸۲)، «رابطه بین جو عاطفی اعضای خانواده با سازگاری فردی - اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستان‌های پسرانه مسجد سلیمان»، *فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان*، سال ششم، شماره ۱۹ و ۲۰ صص ۷۴-۵۱.
- محسنی کوچصفهانی، ناهید. (۱۳۷۶)، «بررسی چگونگی تأثیر روابط عاطفی والدین بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر منطقه سعادت‌آباد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم تهران.
- Cowan, P.A. and Others. (1994). Pre-birth to Preschool Family Factors in Children's, Adaptation to Kindergarten. In R.D. Parke & S. Kellam (Eds), *Exploring Family Relationships with the Social Context, P. (15-114)*.
- Eisenberg, N. Fabes, R.A. (1998). Contemporaneous and longitudinal prediction of children's sympathy from dispositional regulation and emotionality. *Developmental Psychology, 34*, 910-924.
- Gottman, J.M. & Katz, L.F. (1993). Patterns of marital conflict Predict children's internalizing and externalizing behaviors. *Developmental psychology, 29*.940-250.